

رابطه شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های هویت‌یابی و گرایش به مشاغل در نوجوانان

Relationships among Parenting styles, Identity and Job tendency in Adolescents

T, Pourebrahim (Ph.D)

T_pourebrahim@sbu.ac.ir

J, Heydari., (M.A)

A, Khoshkonesh., (Ph.D)

دکتر تقی پوراابراهیم^۱

جعفر حیدری^۲

دکتر ابوالقاسم خوش‌کنش^۳

Abstract: Parenting styles effect on adolescent developmental dimensions and job tendency is dimension of Identify. The purpose of this study was to investigation relationships among parenting styles, identity and job tendency in adolescents. Research sample were 190 boys students that selected cluster randomly from high school and pre-colleges in Tehran city. Research instruments included: 1) Identity Style Inventory, 2) Job Tendency questionnaire, and 3) Parenting Styles questionnaire. The results of analysis multiple regression showed that there were positive significant relationships between authoritative parenting style with informational identity style and authoritarian parenting style with confuse identity style. Also, results revealed that there is not significant relationship between parenting styles and job tendency. So parenting styles anticipate identity styles but do not anticipate job tendency based Roe's jobs categorization

Key words: Parenting styles, Identity styles, Job tendency, Adolescence

چکیده: از آنجایی که سبک‌های فرزندپروری بر جنبه‌های مختلف تحول نوجوان تاثیرگذار است و گرایش به مشاغل بخشی از هویت‌یابی را در نوجوانان تشکیل می‌دهد، پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های هویت‌یابی و گرایش به مشاغل در نوجوانان انجام شد. به این منظور تعداد ۱۹۰ نفر از نوجوانان پسر سال سوم دبیرستان و مراکز پیش دانشگاهی شهر تهران به شیوه تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای جهت شرکت در پژوهش انتخاب شدند. ابزارهای به‌کار رفته در پژوهش شامل پرسشنامه شیوه‌ها و ابعاد فرزندپروری (رابینسون و همکاران، ۲۰۰۱)، پرسشنامه سبک‌های هویت‌یابی (برزنسکی، ۱۹۸۹) و پرسشنامه گرایش به مشاغل (نجفی، ۱۳۷۴) بود. پرسشنامه سبک‌های هویت‌یابی و گرایش به مشاغل توسط نوجوانان و پرسشنامه شیوه‌ها و ابعاد فرزندپروری توسط والدین تکمیل گردید. به‌منظور تحلیل آماری داده‌های پژوهش از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که شیوه فرزندپروری مقتدرانه به‌طور معناداری توانست سبک هویت اطلاعاتی نوجوانان را پیش‌بینی کند. هم‌چنین یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که به‌طور معنادار شیوه فرزندپروری مستبدانه پیش‌بینی‌کننده سبک هویت سردرگم در نوجوانان می‌باشد اما هیچ‌کدام از شیوه‌های فرزندپروری گرایش به مشاغل انسانی و مشاغل ابزاری را پیش‌بینی نکردند ($P < 0/01$).

کلید واژه‌ها: شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های هویت‌یابی، گرایش به مشاغل

t_pourebrahim@sbu.ac.ir

۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه شهید بهشتی

۲. کارشناس ارشد مشاوره

۳. استادیار دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

یکی از مباحث مهم دوره نوجوانی هویت^۱ است. جستجوی هویت، پیش نیاز رشد بهینه شخصی در طول زندگی است. گرچه بذره‌های تشکیل هویت قبلاً کاشته شده‌اند، افراد تا نوجوانی مجذوب این تکلیف نمی‌شوند. بر همین اساس اریکسون شکل‌گیری هویت را یکی از تکالیف اساسی و مهم خاص دوره نوجوانی می‌داند (برک^۲، ۲۰۰۱؛ ترجمه، سیدمحمدی، ۱۳۸۴). محققان بسیاری سعی بر آن داشتند تا به بررسی دقیق این سازه مهم بپردازند. مارشیا (۱۹۸۰) در بررسی مفهوم هویت براساس دیدگاه اریکسون به ارائه پایگاه‌های هویتی با توجه به میزان تعهد و بحران در نوجوانان پرداخت. در طول چهار دهه گذشته تحقیقات پیرامون هویت نوجوانان براساس انگاره هویت مارشیا مفهوم‌سازی شد. لیکن اخیراً بعضی از محققین به فرایندهای شکل‌گیری هویت توجه کرده‌اند و بر جهت‌گیری پردازش شناختی-اجتماعی (برزونسکی، ۱۹۸۹) یا سبک‌هایی که نوجوانان با پایگاه‌های هویتی مختلف به کار می‌گیرند، تمرکز می‌کنند. بر این اساس سه جهت‌گیری برای پردازش شناختی اجتماعی هویت یا سبک‌های هویت مشخص شده است. سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، و آشفته/سردرگم. سبک شناختی-اجتماعی هویت تحت تاثیر عوامل زیادی از جمله شیوه‌های فرزندپروری، شخصیت نوجوان پردازشگر و محیط اجتماعی - فرهنگی قرار دارد (برزونسکی، ۱۹۹۹).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری پیش‌بینی‌کننده سبک‌های هویت در نوجوانان است (برزونسکی، ۲۰۰۴). اسمیت و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری (حمایتی، کنترل رفتاری و کنترل روان‌شناختی) با ابعاد سه‌گانه سبک‌های هویت تعریف شده توسط برزونسکی (۱۹۹۰) پرداختند. این پژوهش که به شکل گسترده بر روی ۶۴۷ نوجوان انجام گرفت، نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی به شکل مثبتی به وسیله سبک فرزندپروری حمایتی پیش‌بینی می‌شود. همچنین این سبک هویتی به وسیله سبک فرزندپروری کنترل روان‌شناختی پیش‌بینی می‌شود. سبک هویت سردرگم نیز به وسیله سبک کنترل رفتاری پیش‌بینی می‌شد.

خواجه پور و عطار (۱۳۸۶) در پژوهشی بر روی ۶۵۷ دانش‌آموز دختر و پسر مقطع پیش‌دانشگاهی به بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با سبک‌های هویت‌یابی پرداختند. ابزار مورد استفاده پژوهش آن‌ها پرسشنامه هویت آدامز و بنیون (OMEIS-2) و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری شیفر بود. نتایج نشان داد که بین شیوه فرزندپروری مستبدانه با هویت

1. Identity

2. Berk

سردرگم و فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش با هویت پیشرفته نوجوانان روابط مثبت و معناداری وجود دارد. هم‌چنین نوجوانان والدین سهل‌گیر هویت زودرسی داشتند.

فرزانه خو، یارمحمدیان و مولوی (۱۳۸۸) با هدف بررسی تاثیر عملکرد کلی خانواده بر وضعیت هویت دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اصفهان ۱۴۰ دانش‌آموز را با استفاده از پرسشنامه سنجش خانواده (FAD) و پرسشنامه هویت آدامز و بنیون (OMEIS-2) مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که خانواده‌هایی که پذیرای فرزندان نبوده و روابط سردی بین اعضای خانواده حاکم است، فرزندان‌شان به شکل معناداری سبک هویت سردرگم را نشان می‌دهند و از سوئی دیگر والدین گرم و صمیمی که قاطع و اطمینان‌بخش هستند، نوجوانان‌شان بیشتر هویت رشد یافته و پیشرفته را از خود نشان می‌دهند.

سبک‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌بندند، و روابطی که آن‌ها با نوجوانان خود برقرار می‌کنند، ممکن است بر رفتار و گرایش به مشاغل و انتخاب شغلی نیز تاثیرگذار باشد. ویگنولی و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی با هدف بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و اضطراب بر کشف شغلی^۱ به این یافته رسیدند که اضطراب عمومی و فراگیر و سبک فرزندپروری سهل‌گیر با دلبستگی ناایمن و کشف شغلی به شکل معناداری رابطه منفی دارد. از سوئی دیگر، سبک دلبستگی ایمن و فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده خوبی برای انتخاب شغل می‌باشد.

خانواده‌ها یا فرزندان‌شان را می‌پذیرند و در مطلوب‌ترین سطح، نیازهای او را ارضا می‌کنند که براساس نظریه رو^۲ فرزندان این‌گونه خانواده‌ها به مشاغلی گرایش پیدا می‌کنند که در ارتباط مستقیم با انسان‌هاست یا همواره به فرزندان‌شان بی‌توجه هستند و بیشتر اوقات در جهت ارضای نیازهای اولیه جسمی و روانی فرزندان خود غفلت می‌ورزند که براساس نظریه رو، فرزندان که در این نوع خانواده‌ها تربیت می‌شوند بیشتر به مشاغلی روی می‌آورند که سر و کاری با انسان‌ها نداشته باشد و در رابطه مستقیم با ابزار باشد. با توجه به طبقه‌بندی رو، در مشاغلی که گرایش اصلی بیش‌تر به سوی انسان‌هاست، افرادی کار خواهند کرد که در خانواده‌هایی با زمینه‌های دوستی و محبت و عشق و حمایت تربیت شده‌اند و افرادی که به مشاغل ابزاری گرایش دارند در خانواده‌هایی با روابط سرد و به دور از روابط صمیمانه رشد کرده‌اند. در واقع مطابق با الگوی شیفر این‌گونه افراد (افرادی که گرایش اصلی آنان به سوی انسان‌هاست) والدین با محبت و آزاد گذارنده و در الگوی بامریند والدین مقتدر و اطمینان‌بخش هستند، در حالی که افراد با گرایش به مشاغل ابزاری نظیر فیزیک در خانواده‌هایی تربیت شده‌اند که احتمالاً شرایط سردی بر روابط

1. Career exploration

2. Roe

رابطه شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های هویت‌یابی و گرایش به مشاغل در نوجوانان

آن‌ها حاکم است که در واقع این‌گونه افراد (افرادی که به سوی مشاغل ابزاری گرایش دارند) مطابق با الگوی طرد شیفر و آسان‌گیر بامریند قرار می‌گیرند. در عین حال رو معتقد است شرایط تربیت خانوادگی نوع فعالیت‌های شغلی را مشخص می‌سازد (شفیع آبادی، ۱۳۸۷).

در پژوهشی، نجفی (۱۳۷۴) به بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با گرایش به مشاغل نوجوانان دختر و پسر پرداخت. بدین منظور ۳۲۰ نوجوان دختر و پسر دبیرستانی با استفاده از پرسشنامه‌های محقق‌ساخته جو عاطفی خانواده (جو عاطفی گرم و جو عاطفی سرد) و پرسشنامه گرایش به مشاغل (گرایش به مشاغل ابزاری و انسانی) مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که در مجموع نوجوانانی که در خانواده‌هایی با جو عاطفی گرم بزرگ شده‌اند، گرایش به مشاغل انسانی دارند و آن‌هایی که در خانواده‌هایی با جو عاطفی سرد بزرگ شده‌اند گرایش به مشاغل ابزاری دارند. نتایج به تفکیک نشان داد که جو عاطفی خانواده برای پسران تاثیر معناداری در گرایش به مشاغل (ابزاری یا انسانی) آن‌ها ندارد. هم‌چنین بین جو عاطفی خانواده دختران و گرایش آن‌ها به مشاغل رابطه معناداری وجود داشت. به عبارتی دخترانی که در خانواده‌هایی با جو عاطفی گرم بزرگ شده بودند گرایش به مشاغل انسانی داشتند و دخترانی که در خانواده‌هایی با جو عاطفی سرد بزرگ شده بودند به مشاغل ابزاری گرایش نشان می‌دادند.

از آن‌جایی که سبک‌های فرزندپروری بر جنبه‌های مختلف تحول نوجوان می‌تواند تاثیرگذار باشد، آن‌چه که در این پژوهش مدنظر می‌باشد، نقش، تاثیرگذاری و اهمیت سبک‌های فرزندپروری بر فرایند تحولی مهم در دوره نوجوانی یعنی هویت‌یابی است و به این دلیل که گرایش به مشاغل بخشی از هویت‌یابی را در نوجوانان تشکیل می‌دهد رابطه فرزندپروری با تمایل و گرایش به مشاغل نیز بررسی می‌شود. به این منظور سوالات زیر در مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- آیا بین شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) و سبک هویت اطلاعاتی نوجوانان رابطه وجود دارد.

۲- آیا بین شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) و سبک هویت هنجاری نوجوانان رابطه وجود دارد.

۳- آیا بین شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) و سبک هویت سردرگم نوجوانان رابطه وجود دارد.

۴- آیا بین شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) و گرایش به مشاغل ابزاری نوجوانان رابطه وجود دارد.

۵- آیا بین شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) و گرایش به مشاغل ابزاری نوجوانان رابطه وجود دارد.

روش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است.

جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان پسر سال‌های سوم و پیش دانشگاهی شهر تهران که در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷ مشغول به تحصیل بودند تشکیل داد. **نمونه و روش نمونه‌گیری:** با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا از میان مناطق ۲۲ گانه شهر تهران مناطق، ۵، ۶، ۱۴، و ۱۸ به شکل تصادفی انتخاب گردید. در مرحله بعد به شکل تصادفی از هر منطقه دو دبیرستان انتخاب گردید و در مرحله پایانی از هر دبیرستان یک کلاس برای شرکت در پژوهش انتخاب شد و تمام دانش‌آموزان هر کلاس به‌عنوان مشارکت‌کننده در پژوهش شرکت کردند. حجم گروه نمونه با توجه به پژوهش‌های انجام گرفته در این حیطه، ۱۹۰ نفر تعیین گردید.

ابزارهای اندازه‌گیری: در این پژوهش با توجه به هدف پژوهش پرسشنامه سبک‌های هویت^۱ (ISI-6G) (بروزینسکی، ۱۹۹۰)، پرسشنامه سبک‌ها و ابعاد فرزندپروری^۲ (PSDQ) (رایبسون و همکاران، ۲۰۰۱) و پرسشنامه گرایش به مشاغل (نجفی، ۱۳۷۴) مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه سبک‌های هویت (ISI-6G). این پرسشنامه نخستین بار توسط بروزینسکی (۱۹۹۰) ساخته شد و سپس دوبار توسط خود او مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این پرسشنامه ۴۰ گویه^۳ دارد که ۱۱ گویه آن در ارتباط با سبک هویت اطلاعاتی، ۱۰ گویه مربوط به هویت سردرگم/اجتنابی و ۹ گویه آن مربوط به سبک هویت هنجاری می‌باشد. علاوه بر سه سبک هویت، ۱۰ گویه نیز در ارتباط با تعهد هویت است. نمره‌گذاری براساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) شکل گرفته است. به اعتقاد وایت و همکاران (۱۹۹۸) پرسشنامه سبک‌های هویت شاید نتواند برای اوایل و اواسط نوجوانی و هم‌چنین بزرگسالی که مهارت‌های خواندن محدودی دارند، بکار برد. اما این پرسشنامه برای اواخر نوجوانی و نمونه‌های دانشجویی طراحی شده است. وایت و همکاران (۱۹۹۸) ضریب قابلیت اعتماد مناسبی را نشان داده‌اند. آن‌ها ضمن اجرای پرسشنامه ISI-6G ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳، ۰/۶۷ و ۰/۶۹ را به ترتیب برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم گزارش کرده‌اند. وایت و همکاران (۱۹۹۸) برای بررسی اعتبار سازه این پرسشنامه، پاسخ‌های آزمودنی‌ها را در ارتباط با سه سبک هویت به روش تحلیل عامل اکتشافی و با استفاده از چرخش واریماکس با مولفه‌های اصلی مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند (در تحلیل عوامل، گویه‌های مربوط به تعهد هویت وارد تحلیل نشد).

1. Identity Style Inventory
2. Parenting Style and Dimensions Questionnaire
3. Item

رابطه شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های هویت‌یابی و گرایش به مشاغل در نوجوانان

ضریب همبستگی بین عوامل به دست آمده در نسخه تجدیدنظر شده وایت و همکاران، بسیار شبیه به تحلیل عوامل نسخه اصلی بود. ضریب همبستگی بین عوامل بدست آمده در ارتباط با ISI-6G به ترتیب زیر است:

عامل اول (اطلاعاتی، $r=0/79$)، عامل دوم (هنجاری، $r=0/81$) و عامل سوم (سردرگم، $r=0/84$)

پرسشنامه سبک‌ها و ابعاد فرزندپروری (PSDQ). این پرسشنامه دارای ۳۲ سوال می‌باشد که در مقیاس لیکرت در طیف یک تا پنج نمره‌گذاری می‌شود. سوال‌های این پرسشنامه برای اندازه‌گیری سه سبک مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه بر پایه نظریه و سبک‌های فرزندپروری بامریند^۱ تنظیم و تدوین گردیده است (رابینسون و همکاران، ۲۰۰۱) و توسط علیزاده و همکاران (۲۰۰۷) به فارسی ترجمه شده است. حداقل نمره در این آزمون ۳۲ و حداکثر ۱۶۰ است. این پرسشنامه علاوه بر سه سبک فرزندپروری دارای هفت بعد ارتباطی است. سبک مقتدرانه دارای ابعاد ارتباطی، خودتنظیمی و خودمختاری می‌شود. سبک مستبدانه شامل سه بعد اجبار فیزیکی، خصومت کلامی و بعد غیرتوضیحی-تنبیهی است. سرانجام سبک سهل‌گیرانه دارای یک بعد یعنی بعد ارتباطی بی‌توجهی است. شیوه‌های فرزندپروری بر خلاف رفتارهای خاص پرورشی از الگوهای فرهنگی خاص پیروی نمی‌کند، یعنی شیوه‌های فرزندپروری در الگوهای مختلف فرهنگی و جوامع مختلف یکسان است (علیزاده و همکاران، ۲۰۰۷). بر همین اساس پژوهشگر نیز ضمن بررسی روایی آزمون شیوه‌های فرزندپروری، این‌گونه فرض کرده است که در ایران نیز شیوه‌های فرزندپروری از همان الگوهای یکسان مشابه جهان پیروی می‌کند. اعتبار^۲ این پرسشنامه را علیزاده و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و اختلال بیش‌فعالی همراه با نارسایی توجه در کودکان والدین ایرانی بررسی کرده‌اند. در این پژوهش بین فرهنگی که شیوه‌های فرزندپروری خانواده‌های ایرانی-بلژیکی دارای کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی همراه با نارسایی توجه و کودکان عادی بررسی شده است، اعتبار درونی برای خرده مقیاس سبک مقتدرانه در والدین ایرانی ۰/۹۰ بوده است و برای خرده مقیاس سبک مستبدانه ۰/۷۸ و خرده مقیاس سبک سهل‌گیرانه ۰/۷۰ به‌دست آمد. برای والدین بلژیکی در سبک مستبدانه ضریب ۰/۸۹، برای خرده مقیاس سبک مستبدانه ۰/۸۰ و برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۵ بود. سازندگان آزمون برای سنجش اعتبار آزمون موردنظر از روش همسانی درونی و آزمون آلفای کرونباخ استفاده کرده‌اند که برای سوال‌های مربوط براساس آلفای کرونباخ، برای بعد مقتدرانه،

1. Baumrind

2. Reliability

$r = 0/86$ ، سبک مستبدانه $r = 0/82$ و بعد سهل گیرانه $r = 0/64$ بوده است. روایی سازه^۱ آزمون براساس تحلیل عوامل مورد بررسی قرار گرفته است (رابینسون و همکاران، ۲۰۰۱). پژوهشگران مزبور براساس تحلیل عاملی توانسته‌اند سه عامل با هفت بعد ارتباطی ذکر شده در آزمون را مورد شناسایی قرار دهند. هم‌چنین در ایران علیزاده و همکاران (۲۰۰۷)، پس از ترجمه پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری رابینسون و همکاران (۲۰۰۱)، برای به‌دست آوردن روایی پرسشنامه روایی محتوایی استفاده نمودند. پرسشنامه ترجمه شده در اختیار اساتید و متخصصان روان-شناسی و مشاوره خانواده قرار گرفت و از آن‌ها پرسیده شد که آیا سوال‌های موردنظر می‌تواند شیوه‌های فرزندپروری را بسنجد؟ براساس پیشنهادهای و انتقادهای این متخصصان پرسشنامه ترجمه شده موردنظر پس از اصلاح و رفع نقایص به تایید متخصصان رسید.

پرسشنامه گرایش به مشاغل. این پرسشنامه توسط نجفی (۱۳۷۴) و براساس نظریه رو ساخته شده است. پرسشنامه به لحاظ روایی مورد تایید صاحب‌نظران قرار دارد و اعتبار پرسشنامه با همسانی درونی برابر با $0/87$ می‌باشد (نجفی، ۱۳۷۴) که قابل پذیرش است. این پرسشنامه ۳۰ سوال دارد که به‌صورت جفت جفت هستند. یکی نشانگر مشاغل انسانی و شغل دیگر معرف مشاغل ابزاری است. طریقه نمره‌گذاری به‌صورت ۱ و ۲ است به این معنی که به مشاغل انسانی نمره ۱ و به مشاغل ابزاری نمره ۲ تعلق می‌گیرد. در نتیجه طیف نمرات این پرسشنامه از ۳۰ تا ۶۰ می‌باشد و نقطه برش آن نمره ۴۵ است. به عبارت دیگر نمرات پایین‌تر از ۴۵ نشان می‌دهند که فرد به سمت مشاغل انسانی گرایش داشته است. نمرات بالای ۴۵ بیانگر این است که فرد به مشاغل ابزاری تمایل بیشتری دارد.

نتایج

جدول ۱. خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون هویت اطلاعاتی بر

متغیر شیوه‌های فرزندپروری

R ²	R	P	F	MS	d.f	SS	شاخص
							مدل
۰/۳۸۶	۰/۶۲۱	۰/۰۰۰۱	۳۸/۹۵۳	۲۱۹۴/۷۱۳	۳	۶۵۸۴/۱۴۰	رگرسیون
				۵۶/۳۴۳	۱۸۶	۱۰۴۷۹/۸۰۳	باقیمانده

1. Construct validity

رابطه شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های هویت‌یابی و گرایش به مشاغل در نوجوانان

p	t	Beta	SEB	B	شاخص متغیر
۰/۰۰۵	۲/۸۱۷	-	۵/۰۵۸	۱۴/۲۴۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۰۱	۹/۹۰۸	۰/۶۲۴	۰/۰۲۹	۰/۲۸۸	مقتدرانه
۰/۸۱۹	۰/۲۲۹	۰/۰۱۵	۰/۰۴۳	۰/۰۱۰	مستبدانه
۰/۸۸۸	-۰/۱۴۱	-۰/۰۰۹	۰/۱۰۳	-۰/۰۱۵	سهل‌گیرانه

معادله رگرسیون نشان می‌دهد شیوه فرزندپروری مقتدرانه توانسته است وارد معادله شود، اما شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه وارد تحلیل نگردیده‌اند. براساس این نتایج میزان F مشاهده شده برای سبک هویت اطلاعاتی در سطح $(P < ۰/۰۱)$ معنی‌دار است، و ۳۸% واریانس مربوط به هویت اطلاعاتی به‌وسیله متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌شود $(R^2 = ۰/۳۸)$. ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهد که فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند واریانس هویت اطلاعاتی را به‌صورت معنی‌دار تبیین کند. ضریب تأثیر فرزندپروری مقتدرانه $(B = ۰/۲۸)$ با توجه به آماره t نشان می‌دهد که فرزندپروری مقتدرانه با اطمینان ۹۹% تغییرات مربوط به متغیر سبک هویت اطلاعاتی را پیش‌بینی می‌کند؛ یعنی افزایش شیوه فرزندپروری مقتدرانه باعث افزایش سبک هویت اطلاعاتی می‌شود.

جدول ۲. خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون هویت
هنجاری بر متغیر شیوه‌های فرزندپروری

R ²	R	P	F	MS	d.f	SS	شاخص مدل
۰/۰۱۹	۰/۱۳۶	۰/۳۲۲	۱/۱۷۰	۸۶/۸۸۴	۳	۲۶۰/۶۵۳	رگرسیون
				۷۴/۳۵۷	۱۸۶	۱۳۸۱۱/۸۱۵	باقیمانده

p	t	Beta	SEB	B	شاخص متغیر
۰/۰۰۱	۳/۵۴۲	-	۵/۸۰۶	۲۰/۵۶۴	مقدار ثابت
۰/۰۸۷	۱/۷۲۱	۰/۱۳۷	۰/۰۳۳	۰/۰۵۸	مقتدرانه
۰/۲۳۴	۱۹۴/۱	۰/۰۹۶	۰/۰۴۹	۰/۰۵۹	مستبدانه
۰/۸۷۸	-۰/۱۵۴	-۰/۰۱۲	۰/۱۱۹	-۰/۰۱۸	سهل‌گیرانه

معادله رگرسیون نشان داد که هیچ کدام از شیوه‌هایی فرزندپروری نتوانسته‌اند وارد معادله شوند. براساس این نتایج، میزان F مشاهده شده برای سبک هویت اطلاعاتی در سطح $(P < 0/05)$ معنی‌دار نیست و مقدار اندکی از واریانس مربوط به هویت هنجاری از طریق متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌شود ($R^2 = 0/019$).

ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین نیز نشان می‌دهد که شیوه‌های فرزندپروری نتوانسته است به صورت معنی‌دار سبک هویت هنجاری را تبیین کند.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون هویت سردرگم بر متغیر شیوه‌های فرزندپروری

R ²	R	P	F	MS	d.f	SS	شاخص
							مدل
0/20	0/447	0/0001	15/515	577/096	3	1731/289	رگرسیون
				37/196	186	6918/506	باقیمانده

p	t	Beta	SEB	B	شاخص
					متغیر
0/001	3/522	-	4/109	14/475	مقدار ثابت
0/928	0/090	0/006	0/024	0/002	مقتدرانه
0/000	5/709	0/414	0/035	0/199	مستبدانه
0/203	1/277	0/089	0/085	0/107	سهل‌گیرانه

معادله رگرسیون نشان داد که شیوه فرزندپروری مستبدانه نتوانسته است وارد معادله شود، اما شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه وارد تحلیل نگردیدند. براساس این نتایج میزان F مشاهده شده برای سبک هویت اطلاعاتی در سطح $(P < 0/01)$ معنی‌دار است، و 20٪ واریانس مربوط به هویت اطلاعاتی به وسیله متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌شود ($R^2 = 0/20$).

ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهد که فرزندپروری مستبدانه می‌تواند واریانس هویت سردرگم را به صورت معنی‌دار تبیین کند. ضریب تاثیر فرزندپروری مستبدانه ($B = 0/19$) با توجه به آماره t نشان می‌دهد که فرزندپروری مقتدرانه با اطمینان 99٪ تغییرات مربوط به متغیر سبک هویت اطلاعاتی را پیش‌بینی می‌کند؛ یعنی افزایش شیوه فرزندپروری مستبدانه می‌تواند باعث افزایش سبک هویت اطلاعاتی می‌شود.

رابطه شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های هویت‌یابی و گرایش به مشاغل در نوجوانان

جدول ۴. تحلیل واریانس رگرسیون گرایش به مشاغل ابزاری از روی شیوه‌های فرزندپروری

معنی‌داری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۷۷۵	۰/۳۶۹	۰/۰۹۳	۳	۰/۲۷۹	رگرسیون
		۰/۲۵۲	۱۸۶	۴۶/۷۹۵	باقیمانده
			۱۸۹	۴۷/۰۷۴	مجموع

جدول ۵. ضرایب رگرسیون گرایش به مشاغل ابزاری از روی شیوه‌های فرزندپروری

معنی‌داری	مقدار t	ضرایب استاندارد شده (Beta)	خطای استاندارد	ضریب استاندارد نشده (B)	شاخص متغیر
۰/۰۶۷	۱/۸۴۱	-	۰/۳۳۸	۰/۶۲۲	مقدار ثابت
۰/۴۳۹	-۰/۷۷۵	-۰/۰۶۲	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۲	مقتدرانه
۰/۶۶۷	۰/۴۳۱	۰/۰۳۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	مستبدانه
۰/۷۲۳	-۰/۳۵۵	-۰/۰۲۸	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۲	سهل‌گیرانه

با توجه به نتایج فوق هیچ‌کدام از سبک‌های فرزندپروری در گرایش به مشاغل ابزاری سهم تعیین‌کننده‌ای نداشته است و باید به دنبال بررسی متغیرهای تاثیرگذار دیگری بود. مقدار F به دست آمده برای رگرسیون ۰/۳۶۹ می‌باشد که معنادار نمی‌باشد، لذا برای رگرسیون موردنظر نمی‌توان معادله‌ای داشت.

جدول ۶. تحلیل واریانس رگرسیون گرایش به مشاغل انسانی از روی شیوه‌های فرزندپروری والدین

معنی‌داری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	شاخص مهل
۰/۷۱۶	۰/۳۸۱	۰/۰۹۸	۳	۰/۲۸۸	رگرسیون
		۰/۲۶۳	۱۸۶	۴۶/۸۵۶	باقیمانده
			۱۸۹	۴۷/۱۷۶	مجموع

جدول ۷. ضرایب رگرسیون گرایش به مشاغل انسانی از روی شیوه های فرزندپروری

معنی داری	مقدار t	ضرایب استاندارد شده (Beta)	خطای استاندارد	ضریب استاندارد نشده (B)	شاخص متغیر
۰/۲۶۵	۱/۱۱۸	-	۰/۳۳۱	۰/۳۷۸	مقدار ثابت
۰/۴۳۹	۰/۷۷۵	۰/۰۶۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	مقتدرانه
۰/۶۶۷	-۰/۴۳۱	-۰/۰۳۵	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۱	مستبدانه
۰/۷۲۳	۰/۳۵۵	۰/۰۲۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	سهل گیرانه

نتایج فوق نشان می‌دهد هیچ‌یک از سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه، و سهل‌گیرانه سهم قابل توجه‌ای در پیش‌بینی گرایش به سمت مشاغل انسانی نوجوانان نمی‌تواند داشته باشد و باید به دنبال بررسی متغیرهای تاثیرگذار دیگری بود.

بحث

هدف این پژوهش بررسی میزان رابطه شیوه‌های فرزندپروری، با سبک‌های هویت نوجوانان و گرایش به مشاغل در آنان بود. نتایج پژوهش نشان داد که همبستگی‌های معناداری بین برخی از مولفه‌های شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های هویت وجود دارد. بدین معنا که بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با سبک هویتی اطلاعاتی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. یافته دیگر، همبستگی مثبت و معنادار شیوه فرزندپروری مستبدانه با سبک هویتی سردرگم بود. در پاسخ به سوال اول پژوهش در مورد پیش‌بینی هویت اطلاعاتی از روی سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیر) از روش رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد که از میان سبک‌های فرزندپروری تنها سبک فرزندپروری مقتدرانه سهم قابل ملاحظه‌ای در پیش‌بینی کسب هویت اطلاعاتی نوجوانان دارد و ۳۸ درصد کسب هویت اطلاعاتی نوجوانان را این شیوه تربیتی والدین تبیین می‌نماید، درصدی که بسیار قابل ملاحظه می‌باشد. از سویی دیگر سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه نقش چندانی در تبیین هویت اطلاعاتی نوجوانان نداشت. ضریب تبیین به‌دست آمده در توجیه پیش‌بینی‌کنندگی شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه بر روی سبک هویت اطلاعاتی نوجوانان نشان می‌دهد که به احتمال قوی والدینی که درک درستی از نوجوانان خود دارند، نظارت و کنترل دقیقی بر روی آن‌ها انجام می‌دهند و از سویی دیگر به نیازها و درخواست‌های آنان به‌شکل مطلوبی پاسخ می‌دهند به نوجوانان خود کمک می‌کنند تا در راستای کسب یک هویت موفق گام بردارند و بیشتر متمایل به سبک هویت اطلاعاتی باشند.

رابطه شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های هویت‌یابی و گرایش به مشاغل در نوجوانان

سوال دوم پژوهش تعیین سهم شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیر) در پیش‌بینی سبک هویت‌هنجاری نوجوانان بود. نتایجی که در این زمینه به دست آمد حاکی از آن بود که هیچ‌کدام یک از شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه نتوانسته است پیش‌بینی‌کننده خوبی برای کسب هویت‌هنجاری نوجوانان باشد و سهم قابل ملاحظه‌ای در این مورد ندارد.

سوال سوم به بررسی سهم شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیر) در پیش‌بینی سبک هویت‌سردرگم/اجتنابی نوجوانان پرداخت. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که از بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه، فقط سبک فرزندپروری مستبدانه پیش‌بینی‌کننده قوی برای کسب هویت‌سردرگم نوجوانان دارد. به عبارت دیگر، این شیوه تربیتی سهم قابل ملاحظه‌ای در شکل‌گیری نامطلوب هویت نوجوانان دارد. با توجه به R^2 بدست آمده می‌توان بیان داشت که در حدود ۱۹ درصد از هویت‌اجتنابی/سردرگم نوجوانان را این شیوه تربیتی توجیه می‌کند. این یافته بدین معناست که والدینی که در تربیت فرزندان خود از شیوه‌های تحکمی، زورگویانه، و با فشار استفاده می‌کنند و از طرفی به نیازهای عاطفی و روانی نوجوانان خود پاسخ نمی‌دهند به احتمال زیاد در شکل‌گیری هویت‌سردرگم فرزندان نقش مهمی می‌توانند داشته باشند. با توجه به معادله رگرسیون به عمل آمده سبک فرزندپروری مستبدانه را می‌توان به‌عنوان یک عامل مهم در شکل‌گیری نامطلوب هویت در نوجوانان دانست که سهم قابل توجه‌ای را در این مساله ایفا می‌کند. این بیانگر این می‌باشد که شیوه مستبدانه یک عامل مهم در هویت‌سردرگم نوجوانان می‌باشد که به تنهایی می‌تواند در حدود ۲۰ درصد نقش در شکل‌گیری نامطلوب هویت داشته باشد.

یافته‌های پژوهش در ارتباط با توان پیش‌بینی‌کنندگی شیوه‌های فرزندپروری در سبک‌های هویت‌یابی نوجوانان با پژوهش‌هایی چون (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۸؛ برزونسکی، ۲۰۰۴؛ خواجه پور و عطار، ۱۳۸۶) همسو می‌باشد.

سوالات چهارم و پنجم پژوهش به سهم مولفه‌های فرزندپروری در گرایش نوجوانان به مشاغل ابزاری پرداخت.

با توجه به نتایج به دست آمده هیچ‌کدام از سبک‌های فرزندپروری در گرایش به مشاغل ابزاری و انسانی سهم تعیین‌کننده‌ای نداشته است یعنی سبک‌های فرزندپروری والدین نمی‌تواند سهم عمده‌ای به‌تنهایی در تعیین گرایش به مشاغل ابزاری دانش‌آموزان داشته باشد. شاید سبک‌های فرزندپروری در گرایش به مشاغل دانش‌آموزان تاثیر داشته باشد، اما این که به سمت مشاغل ابزاری یا انسانی این تاثیر وجود داشته باشد مشاهده نشد. به نظر می‌رسد عوامل دیگری علاوه بر

شیوه‌های فرزندپروری در گرایش به مشاغل (تقسیم‌بندی رو از مشاغل) نقش داشته یا عامل شیوه‌های فرزندپروری به‌تنهایی تاثیر ندارد. همچنین طبقه‌بندی مشاغل صرفاً به دو دسته ابزاری و انسانی از محدودیت ذاتی برخوردار باشد. بنابراین نیاز به تقسیم‌بندی وسیع‌تری از گرایش به مشاغل نیاز است.

یافته‌های این بخش از پژوهش با نظریه رو، ۱۹۶۴ (به نقل از شفیع‌آبادی، ۱۳۸۷) همسو نیست. با توجه به طبقه‌بندی رو در مشاغلی که گرایش اصلی بیشتر به سوی انسان‌هاست، افرادی کار خواهند کرد که در خانواده‌هایی با زمینه‌های دوستی و محبت و عشق و حمایت تربیت شده‌اند و افرادی که به مشاغل ابزاری گرایش دارند در خانواده‌هایی با روابط سرد و به دور از روابط صمیمانه رشد کرده‌اند. در حقیقت، رو معتقد است که شرایط تربیتی خانوادگی تاثیر بسزایی بر گرایش نوجوانان به سمت مشاغل ابزاری یا انسانی دارد، که یافته‌های این پژوهش این نظریه را تایید نمی‌کند.

در این راستا نجفی (۱۳۷۴) در پژوهشی نشان داد که دانش‌آموزان با خانواده‌های عاطفی گرم تمایل به مشاغل انسانی و در خانواده‌های خشک و بی‌عاطفه تمایل و گرایش دانش‌آموزان به مشاغل ابزاری است، اما به تفکیک دیده شد که جو عاطفی خانواده تاثیر معناداری بر گرایش به مشاغل نوجوانان پسر ندارد که این نتایج به نوعی همسو با یافته‌های این پژوهش می‌باشد. به‌نظر می‌رسد برای پسران عوامل دیگری چون موقعیت شغلی، درآمد و منزلت اجتماعی مشاغل بیش از جو عاطفی در انتخاب شغل برایشان اهمیت داشته باشد.

منابع

- برک، لورا. (۲۰۰۱). *روان‌شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)*. (ترجمه سیدمحمدی، یحیی، ۱۳۸۲). جلد دوم. تهران: ارسباران.
- خواجه پور، مهناز و عطار، حمیدرضا. (۱۳۸۶). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های هویت و بررسی رابطه آن‌ها در دانش‌آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز. *مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۸ (۱)، ۱۷۸-۱۹۷.
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۸۷). *راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل*. تهران: رشد.
- نجفی، غلامحسین. (۱۳۷۴). *بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با گرایش به مشاغل و مقایسه آن در دانش‌آموزان پسر و دختر دوره متوسطه نظام جدید استان بوشهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- یارمحمدیان، احمد، فرزانه خو، مرجان و مولوی، حسین. (۱۳۸۸). *تاثیر عملکرد کلی خانواده بر وضعیت هویت دانش‌آموزان*. *مجله علوم رفتاری*، ۳ (۲)، ۱۳۵-۱۴۲.

- Alizadeh, H., Applequist, K. F., & Coolidge, F. (2007). Parental self-confidence, parenting styles, and corporal punishment in families of ADHD children in Iran. *Child Abuse & Neglect*, 31, 567-572.
- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4, 268-282.
- Berzonsky, M. D. (1990). Self-Construction over the life span: A process perspective on identity formation. *Advances in Personal Construct Psychology*, 1, 155-186.
- Berzonsky, M. D. (1999). Identity status and hypothesis – testing strategies. *Journal of Social Psychology*, 239, 784-789.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity style, parental authority, and identity. *Journal of Adolescent Research*, 7, 140-155.
- Marcia, J. E. (1980). Identity in adolescence. In J. Adolescent (Eds.). *Handbook of adolescent psychology*. New York: Wiley.
- Smith, I., Koehnlychx, S., Duriez, B., Berzoksky, M., & Goossents, L. (2008). Perceived parenting dimensions and identity styles: Exploring the socialization of adolescents processing of identity-relevant information. *Journal of Adolescence*, 31, 151- 164.
- Robinson, C. C., Mandelco, B., Olsen, S., & Hart, C. H. (2001). The Parenting Styles and Dimensions Questionnaire (PSDQ). In B. F. Perlmutter, J. Touliatos, & G. W. Holden (Eds.), *Handbook of family measurement techniques: Vol. 3 Instruments & Index* (pp.319-321). Thousand Oaks: Sage.
- Vignoli, E., Croity-Belz, S., Chapeland, V., Fillips, A., & Garcia, M. (2005). Career exploration in adolescents: The role of anxiety, attachment and parenting style. *Journal of Vocational Behavior*, 67, pp. 153 – 168.
- White, J. M., Wampler, R. S., & Winn, K. I. (1998). The Identity Style Inventory: A revision with a sixth grade reading level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research*, 13, 223-245.